**١ - موضوع فرضيّت تحصيل معرفت ‏الله و عدم کفايت تقليد**

در صحيفه اصول و فروع حضرت نقطه است قوله الاعلی: "بدانکه اصل دين معرفة الله است و کمال معرفت توحيد است و کمال توحيد نفی صفات و الهيّات از ذات مقدّس او و کمال نفی ورود لجّه احديّه است بعلم و قطع و مشاهده وصل وجود آن و حقيقت اين مراتب آيت واحده است که بآن عرفان و ايقان وجود حضرت ربّ‏العزّه حاصل است."

و از حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه (\* در لوح اصل کلّ الخير\*) است: "اصل کلّ العلوم هو عرفان الله جلّ جلاله."

و در لوحی از آن حضرت است قوله الاعلی: "معلوم آن جناب بوده که لم يزل مقصود از آفرينش معرفت حقّ بوده و خواهد بود و اين معرفت منوط بعرفان انفس عباد بوده که ببصر و قلب و فطرت خود حقّ را ادراک نمايند چه که تقليد کفايت ننمايد، چه در اقبال و چه در اعراض. اگر باين رتبه اعلی فائز شوی بمنظر اکبر که مقام استقامت در مجاهده فی‏الله است واصل خواهيد شد."

و در لوحی ديگر قوله الاعلی: "بگو ای عباد وصايای مظلوم را بشنويد اوّل هر امری و ذکری معرفت بوده اوست ممّد کلّ و مربّی کلّ."

و در لوحی ديگر قوله الاعلی: "و بعد از خلق ممکنات و ايجاد موجودات بتجلّی اسم يا مختار انسان را از بين امم و خلايق برای معرفت و محبّت خود که علّت غائی وسبب خلق کائنات بود اختيار نمود چنانچه در حديث قدسی مشهور مذکور است."

و در لوحی ديگر: "يوم يوم ‏الله است و کلّ ما سواه بر هستی و عظمت و اقتدار او گواه بعضی شناخته و گواهی داده و برخی گواهی ميدهند ولکن او را نشناخته‏اند. شکّی نبوده و نيست که کلّ در حقيقت اوليّه لعرفان‏الله خلق شده‏اند من فاز بهذا المقام قد فاز بکلّ الخير و اين مقام بسيار عظيم است بشأنی که اگر عظمت آن بتمامه ذکر شود اقلام امکانيه و اوراق ابداعيه کفايت ننمايد و ذکر اين مقام را بانتها نرساند طوبی از برای نفسی که در يوم‏الله بعرفان مظهر امر و مطلغ آيات و مشرق ظهورات الطافش فائز شد اوست از مقدّسين و مقرّبين و مخلصين اگر چه اين مقام در خود او بشأنی مستور باشد که خود او هم ملتفت نباشد."

و در کتاب مبارک ايقان قوله جلّ جلاله: " ... سالکين سبيل ايمان و طالبين کؤس ايقان بايد نفوس خود را از جميع شئونات ارضيّه پاک و مقدّس نمايند يعنی گوش را از استماع اقوال و قلب را از ظنونات متعلّقه بسبحات جلال و روح را از تعلّق باسباب ظاهره و چشم را از ملاحظه کلمات فانيه و متوکلّين علی‏الله و متوسلّين اليه سالک شوند تا آنکه قابل تجلّيات اشراقات شموس علم و عرفان الهی و محلّ ظهورات فيوضات غيب نا متناهی گردند."

و از حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است قوله العزيز: "بدانکه اين اعمال و رفتار و گفتار ممدوح است و مقبول و شرف عالم انسانی است ولی مجرّد اين اعمال کفايت ننمايد زيرا جسدی است در نهايت لطافت ولی بيروح بلکه سبب حيات ابديّه و عزّت سرمديّه و نورانيّت کلّيه و فوز و فلاح حقيقی اوّل عرفان الهی است و اين معلوم است که معرفت حقّ مقدّم بر هر عرفانی است و اين اعظم منقبت عالم انسانی است زيرا در وجود معرفت حقايق اشياء فوائد جسمانی بخشد و مدنيّت صوری ترقّی نمايد امّا عرفان الهی سبب ترقّی و انجذاب روحانی و بصيرت حقيقی و علويّت عالم انسانی و مدنيّت ربّانی و تعديل اخلاق و نورانيّت وجدان گردد."

\*\*\*حاشیه\*\*\*

در کتاب کافی کلينی نقل از امام جعفر صادق: "عليکم بالتفقّه فی دين الله و لا تکونوا اعرابا فانه من لم يتفقه فی دين الله لم ينظر اليه فی يوم القيامة ولم يزک له عملا و قوله اذا رأيتم الرجل کثير الصلوة کثير الصوم فلا تباهوا به حتّی تنظروا کيف عقله."

و قوله :"العقل دليل المومن." در تفسير بيضاوی در شرح آيه قرانيه و من يدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا يفلح الکافرون در وجه اتيان بجمله لا برهان به قوله.

صفه اخری لآله لازمة فان الباطل لا برهان به جيئی بها للتاکيد و بناء الحکم عليه تنبيها علی ان التدين بما لا دليل عليه ممنوع فضلا عما دل الدليل علی خلافه